



گزارش کتاب «شدّ الرحل لزيارة القبر الشريف بين المجيزين والمانعين»

محمد باغچیقی*

مقدمه

کتاب «شدّ الرحل لزيارة القبر الشريف بين المجيزين والمانعين» اثر عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافی از علماء اهل سنت پیرو فقه شافعی و عقیده اشعری برای اولین بار در سال ۲۰۱۵م با همکاری مکتبه خالد بن ولید و دارالکتب الیمینیه در ۸۷ صفحه منتشر شد. این گزارش بر پایه نسخه مصوری از اولین نوبت چاپ اثر یاد شده، تهیه و ارائه شده است. عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافی در سال ۱۳۹۴ق، در شهر یافع یمن متولد شد. وی پس از گذراندن دروس ابتدایی و متوسطه، وارد دانشگاه شد. مدرک فوق لیسانس خود را در دانشگاه «وادی النیل» سودان، در رشته اصول دین اخذ کرد. یافی از فعالان نقد و هابیت در فضای مجازی، محسوب می‌شود.

عبدالفتاح یافی، نزد بسیاری از بزرگان یمن، قطر، سوریه و عربستان از قبیل مصطفی محمد البنجویی، مقبل بن هادی الوادعی و عبدالرحمن المرعی الیمینی درس آموخت و بالغ بر هفتاد اجازه نقل روایت و تدریس از بزرگان کشورهای متعددی از جمله یمن، سوریه، هند و قطر دارد که در بین آنها، شخصیت‌هایی مانند محمد سعید رمضان البوطی، علی بن عبدالرحمن الجفیری، عبدالقادر العیدروس، شیخ محمد عاقل سهارانفوری و جعفر بن محمد بن سقاف وجود دارد. یافی هم‌اکنون خطیب و امام جماعت مسجد الخیرات شهر صنعای یمن است. وی بیش از ۳۰ عنوان کتاب نگاشته

* پژوهشگر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

است، بسیاری از کتابهای او در حوزه نقد وهابیت می باشد.

مقدمه یافعی

یافعی در مقدمه نوشته است:

باتوجه به اینکه یکی از مسائل مهم تحت نزاع بین مسلمانان، مسئله مشروعیت «شد رحال» برای زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ است، بر همین اساس، در کتاب پیش رو، به صورت مختصر به مسئله «شد رحال» پرداخته خواهد شد.^۱

مباحث این کتاب در قالب چهار مبحث شده است:

مبحث اول: حالات زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ؛

مبحث دوم: بیان برخی از اقوال مانعین شد رحال؛

مبحث سوم: بیان اقوال علمای مذاهب اربعه که قائل به جواز شد رحال هستند؛

مبحث چهارم: بیان ادله قائلین به جواز و منع شد رحال.^۲

پس از بیان این مطالب مقدماتی، مؤلف وارد ارائه چهار مبحث فوق می شود.

مبحث اول: حالات زیارت قبر شریف پیامبر اکرم ﷺ

مؤلف در این مبحث گفته است زیارت بارگاه نورانی نبی مکرم اسلام ﷺ به سه صورت متصور است:

حالت اول: زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ بدون شد رحال، صورت گیرد.^۳

حکم: باید گفت که مستحب بودن این نوع زیارت، مورد اتفاق است؛ چنان که قاضی عیاض مالکی در الشفاء، به اجماعی بودن قول به استحباب زیارت قبر نبی مکرم اسلام ﷺ تصریح می کند.^۴ البته ابن تیمیه در این مسئله، حرفهای ضد و نقیضی دارد؛ به این صورت که از سویی، قول به استحباب زیارت حرم مطهر نبوی ﷺ را به اکثر اهل علم نسبت می دهد؛ از سویی دیگر مدعی می شود به اجماع سلف و بزرگان دین

۱. یافعی، عبدالفتاح، شد الرحل لزيارة القبر الشريف بين المحيزين والمانعين، ص ۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان.

که حتی مردم مدینه نیز نباید به زیارت نبی مکرم اسلام ﷺ بروند. ناگفته نماند که عبدالحی لکهنوی، به این مواضع ابن تیمیه واکنش نشان داده است و تصریح کرده است: «نفس زیارت نبی مکرم ﷺ را تا قبل از ابن تیمیه، هیچ کسی نامشروع تلقی نمی کرد، اولین کسی که در این مسئله، اجماع را برهم زد، ابن تیمیه بود.»^۱

حالت دوم: زیارتی که توأم با شَدَّ رِحَال باشد. بدین صورت که زائر، به نیت زیارت مسجدالنبی ﷺ و همچنین قبر مطهر آن حضرت، شَدَّ رِحَال انجام دهد.^۲

حکم: این نوع نیز مستحب است و هیچ کس، حتی ابن تیمیه، در استحباب آن تردیدی نکرده است.^۳

حالت سوم: زیارتی که با شَدَّ رِحَال همراه باشد؛ ولی شَدَّ رِحَالی که تنها به نیت زیارت قبر مطهر حضرت رسول ﷺ باشد؛ نه زیارت مسجدالنبی ﷺ.^۴

حکم: چنان که شوکانی در نیل الاوطار نوشته است، حکم این نوع از زیارت، اختلافی است. جمهور علما معتقد به استحباب چنین زیارتی هستند. بعضی از مالکیه و ظاهریه قائل به وجوب آن هستند. حنفیه مذهب آن نیز بر این باورند. این نوع زیارت، نزدیک به واجبات است؛ اما ابن تیمیه قائل به نامشروع بودن چنین زیارتی است، لذا بعضی از حنابله نیز به تأسی از او، حکم به عدم مشروعیت آن داده اند.^۵

مبحث دوم: بیان اقوال مانعین شَدَّ رِحَال

مؤلف در این مبحث، به اقوال ده نفر از کسانی که گفته می شود، مخالف شَدَّ رِحَال برای زیارت قبور هستند، اشاره می کند. از نظر یافعی، از کلام مالک بن انس، ابن بطه عکبری، جوینی، ابن عقیل حنبلی و ابن اثیر نمی توان ممنوعیت شَدَّ رِحَال برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را استنباط نمود.^۶

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۳.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۶.

مؤلف می‌افزاید: «از قاضی عیاض و قاضی حسین نیز کلامی مستند در جهت ممنوعیت شدّ رحال برای زیارت، مشاهده نکرده‌ام؛ بلکه بر عکس، سبکی از این دو نفر، عباراتی دال بر مشروعیت شدّ رحال نقل کرده است.»^۱

البته مؤلف به کلام ابن تیمیه، ابن قیم و ابن رجب حنبلی متعرض نمی‌شود و این بدان معناست که این افراد در حقیقت، با شدّ رحال مخالف بوده‌اند. وی در انتهای این مبحث نوشته است: «اولین کسی که با شدّ رحال جهت زیارت قبر مطهر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت کرد، ابن تیمیه بوده است.»^۲

مبحث سوم: اقوال بعضی از موافقین شدّ رحال

این مبحث دارای پنج بخش است که یافعی در آن، علاوه بر بیان اقوال علمای مذاهب اربعه، آرای علمای دیگر مذاهب را نیز متذکر می‌شود.

اول: اقوال علمای پیرو مذهب حنفی

علمای بسیاری از مذهب حنفی قائلند، هنگامی که انسان می‌خواهد به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شود، جایز است صرفاً زیارت آن حضرت را نیت کند؛ به‌عنوان مثال، طحطاوی در حاشیه‌ای که بر "مراقی الفلاح" زده است، می‌نویسد: «اولی این است که انسان وقتی می‌خواهد به زیارت حرم مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شود، نیتش، مجرد زیارت مقبره مطهر آن حضرت باشد.»^۳

ابن همام^۴ و ابن عابدین^۵ نیز، دیگر علمای حنفی هستند که یافعی از کلام آنان در جهت اثبات مشروعیت شدّ رحال استفاده می‌کند.

دوم: اقوال علمای پیرو مذهب مالکی

به‌گفته مؤلف، خطاب رعینی مالکی مذهب، در دو جا از کتاب مواهب الجلیل فی شرح

۱. همان، ص ۲۴-۲۳.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. همان، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۳۲.

مختصر الخلیل، تصریح کرده است: «حاجی پس از انجام اعمال حج و عمره، به قصد زیارت مقبره مطهر نبی اکرم صلی الله علیه و آله، به مدینه برود.»^۱

خلیل بن اسحاق مالکی نیز در کتاب منسک خلیل بن اسحاق مالکی آورده است: «وقتی انسان از مکه خارج می شود، باید نیت زیارت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و قبر مطهر آن حضرت را در دل انجام دهد.»^۲

ابن حاج^۳ و ونشیریسی^۴ نیز از دیگر عالمان مالکی مذهب هستند که یافعی از آنان عباراتی را در این قسمت نقل کرده است.

سوم: اقوال علمای پیرو مذهب شافعی

یافعی می نویسد که نووی شافعی نیز در کتاب الاذکار، با تصریح به این موضوع که زیارت قبر مطهر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، از اهم اعمالی است که انسان را به خدا نزدیک می کند، می افزاید: «پس از انجام حج، سزاوار است که انسان به زیارت قبر مطهر آن حضرت برود؛ حالا چه مدینه در مسیر مراجعت به سوی وطنش باشد و یا نباشد»؛^۵ البته نووی در الايضاح و المجموع نیز، به این مسئله، مجدداً اشاره کرده است.^۶

ابن حجر هیتمی نیز می نویسد: «باتوجه به روایات موجود، فضیلت "شد رحال" برای زیارت قبر مطهر نبوی صلی الله علیه و آله را می توان اثبات کرد.»^۷

ذهبی،^۸ ماوردی،^۹ ابن جماعه^{۱۰} و قاضی ابن کج^{۱۱} نیز، از جمله شخصیت های

۱. همان، ص ۲۳-۲۲.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۳۴.

۵. همان، ص ۳۴.

۶. همان، ص ۳۵.

۷. همان.

۸. همان، ص ۳۷.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۳۶.

۱۱. همان.

شافعی مذهبی هستند که در آثارشان، مؤیداتی در جهت اثبات مشروعیت شد رحال، به چشم می‌خورد؛ بدین جهت، مؤلف به سخنان ایشان نیز اشاره می‌کند.

چهارم: اقوال علمای پیرو مذهب حنبلی

در شرح الکبیر مقدسی، چنین تصریح شده است: «مستحب است انسان، پس از انجام حج، به زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برود.»^۱

بهوتی نیز در کتاب کشاف القناع می‌نویسد:

ابن‌نصرالله گفته است که از استحباب زیارت قبر نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌توان استحباب شد رحال برای زیارت آن حضرت را نیز نتیجه گرفت؛ چراکه زیارت مرقد مطهر ایشان، برای شخصی که حج را انجام داده است، بدون شد رحال ممکن نیست.^۲

ابن‌قدمه^۳ و حجاوی^۴ نیز عباراتی در باب مشروعیت شد رحال دارند که یافعی از این افراد نیز، غافل نمانده است و به عبارات ایشان نیز، متذکر می‌شود.

پنجم: اقوال علمای مسلمان خارج از مذاهب اربعه

در این بخش، یافعی به دیدگاه ابن‌حزم و امام صنعانی در جهت اثبات مشروعیت شد رحال برای زیارت استناد می‌کند؛ به‌عنوان مثال، ابن‌حزم در کتاب المحلی، تصریح کرده است: «انسان باید به نذری که کرده است، عمل کند.» ابن‌حزم بعد از بیان این حکم، چند مثال برای نذر می‌زند که باید بدان عمل کرد؛ یکی از این مثال‌ها، بحث زیارت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا شخصی صالح است؛ یعنی اگر کسی نذر کند که در صورت روا شدن حاجتش، به زیارت فلان شخص صالح برود؛ اگر دعایش مستجاب شد، بر او واجب است که به نذرش عمل کند.^۵

صنعانی نیز تصریح می‌کند: «شد رحال برای زیارت قبور، شامل نهی موجود در روایت

۱. همان، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۱.

"لا تشدّ الرحال" نمی‌شود.^۱

مبحث چهارم: دلایل

مؤلف در این مبحث، ادله موافقان و مخالفان شدّ رحال برای زیارت قبور را بیان می‌کند.

۱. دلایل موافقان شدّ رحال

یافعی، ابتدا به هفت دلیل، از دلایل جمهور علمای مذاهب اسلامی برای اثبات مشروعیت شدّ رحال اشاره می‌کند.

اول: اجماع

در مباحث قبل گفته شد که به تصریح بسیاری از علما، مسئله استحباب زیارت قبر مطهر نبی مکرم اسلام ﷺ، مسئله‌ای اجماعی محسوب می‌شود؛ در همین راستا، مؤلف می‌افزاید: قول به استحباب زیارت، مطلق است و قائلین به استحباب زیارت، بین زیارت همراه با "شدّ رحال" و یا زیارت بدون "شدّ رحال"، فرقی نگذاشته‌اند و اولین کسی که در این مسئله اختلاف ایجاد کرد، ابن تیمیه بوده است.^۲

دوم: آیات قرآن

مؤلف در این قسمت، به دو آیه قرآن کریم اشاره می‌کند که مورد استناد موافقین شدّ رحال واقع شده است.

الف: آیه ۶۴ سوره نساء که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۳ شوکانی می‌گوید: «باتوجه به زنده بودن حضرت رسول ﷺ در عالم قبر، می‌توانیم پس از رحلت آن حضرت نیز، به حرم مطهرش مشرف شویم و از ایشان بخواهیم که نزد خدای متعال، برای ما طلب مغفرت کند.»^۴

۱. همان، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاشتند)، به نزد تو می‌آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر ﷺ هم برای آنها استغفار می‌کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.»

۴. یافعی، عبدالفتاح، شد الرحال لزيارة القبر الشريف بين المحيذين و المانعين، ص ۴۵.

ب: آیه ۱۰۰ سوره نساء که می‌فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»؛^۱ این آیه، دومین آیه‌ای است که به‌گفته مؤلف، جهت اثبات مشروعیت شد رحال، بدان استناد شده است. شوکانی در ذیل این آیه نیز می‌نویسد:

همان‌طور که در زمان حیات حضرت رسول ﷺ، تشریف به محضر ایشان از مصادیق «مهاجرا الی رسوله» به حساب می‌آمد، پس از رحلت آن حضرت نیز، اگر کسی به بارگاه نورانی پیامبر ﷺ مشرف شود، در زمره مهاجران به‌سوی ایشان قرار می‌گیرد.^۲

سوم: روایات دال بر مشروعیت زیارت تمام قبور

مؤلف با اشاره به روایت «فَرُّوْرُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكَّرُ الْمَوْتِ»، (قبور را زیارت کنید، چراکه این زیارت، باعث یادآوری مرگ می‌شود)، می‌نویسد: «به‌طریق اولی، مشروعیت زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ و همچنین، زیارت قبور مطهر صالحین، تحت شمول عمومیت این روایت قرار می‌گیرد.»^۳

چهارم: روایات دال بر مشروعیت خصوص زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ

مؤلف در این بخش، به ۱۵ روایت اشاره می‌کند که در جهت اثبات مشروعیت زیارت قبر مطهر نبی مکرم اسلام ﷺ، مورد استناد جمهور علما واقع شده است؛ در ادامه به دو روایت از این روایات اشاره می‌شود.

۱. حدیث حاطب: در این روایت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي»؛ «کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، همانند آن است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده است.»^۴

۲. حدیث ابن عمر: در معجم کبیر و اوسط طبرانی چنین روایت شده است که حضرت

۱. «هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به‌سوی خدا و رسول ﷺ بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرا رسد، اجر و ثواب چنین کسی بر خداست.»

۲. یافعی، عبدالفتاح، شد الرحل لزيارة القبر الشريف بين المحييين والمانعين، ص ۴۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۷.

رسول ﷺ فرمودند: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا يَعْلَمُهُ حَاجَةٌ إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ «کسی که به جهت زیارت، به سمت من بیاید و تنها دلیل آمدنش، زیارت من بوده باشد، بر من لازم است که در روز قیامت، شفیعش باشم.»^۱

مؤلف پس از بیان این روایات می‌نویسد که هرچند برخی از این روایات، سلسله سند مناسبی ندارند، ولیکن با توجه به اینکه بیش از ده روایت در این مسئله وارد شده است، می‌توان حتی ادعای تواتر در مسئله نمود؛ لذا ادعای ابن تیمیه و امثال او که مدعی شده‌اند، سند تمام این روایات ضعیف و یا موضوعه می‌باشند، قابل قبول نیست؛ چنان‌که محمد عبدالحی لکهنوی بیان داشته است که هرچند بیشتر این روایات از حیث سندی، ضعیف هستند، اما باید توجه داشت، سند برخی از این روایات نیز ضعیف نیست؛ لذا با نظر به مجموع این روایات، قوت سند به چشم می‌خورد. ابن حجر و تقی‌الدین سبکی به قوت این سند، تصریح کرده‌اند؛ بر همین اساس، ادعای برخی افراد نظیر ابن تیمیه که گمان کرده‌اند، تمامی احادیث این باب، ضعیفه و یا موضوعه هستند، ادعایی نادرست و خطاست.^۲

پنجم: آثار

در این بخش، مؤلف به ۸ اثر (اقوال و افعال صحابه) در راستای مشروعیت شد رحال اشاره می‌کند؛ در ادامه، دو اثر از این آثار ذکر می‌شود.

۱. ماجرای بلال حبشی: در تاریخ دمشق ابن عساکر، این‌گونه وارد شده است:

بلال، مؤذن رسول خدا ﷺ در عهد عمر بن خطاب، در شهر شام اقامت داشت. شبی در خواب پیامبر اکرم ﷺ را دید که به وی فرمود: «ای بلال! این چه ظلمی است که در حق من روا داشته‌ای؟ آیا وقت آن نرسیده است که مرا زیارت کنی؟» از خواب بیدار شد. ناراحتی و ترس، سراسر وجودش را فرا گرفته بود. با سرعت وسایل سفر را بست و بر مرکبش سوار شد و به طرف مدینه حرکت نمود. وقتی به شهر مدینه رسید، کنار قبر رسول الله ﷺ آمد، در حالی که گریه

۱. همان، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۳-۵۴.

می‌کرد، صورت خود را بر قبر حضرت می‌کشید.

شوکانی در نیل الاوطار، سند این روایت را سندی جید و نیکو تلقی کرده است.^۱ ناگفته نماند که طبق این ماجرا، جناب بلال، برای زیارت حرم مطهر نبوی ﷺ از شام به مدینه سفر کردند که این نشان از مشروعیت شدّ رحال در نزد صحابه دارد.

۲. کلام عمر بن خطاب: در مصنف عبدالرزاق، سخنی از عمر بن خطاب نقل شده است که دلالت می‌کند شدّ رحال برای رفتن به غیر از آن سه مسجد نیز جایز است. در این کلام چنین آمده است: «لَوْ كَانَ مَسْجِدُ قِبَاءَ فِي أُفُقٍ مِنَ الْأَفَاقِ صَرَبْنَا إِلَيْهِ أَكْبَادَ الْمَطِيِّ»؛ «اگر مسجد قبا در افقی از افق‌ها می‌بود، ما مرکب‌ها را به‌سوی آن روانه می‌نمودیم.»^۲

ششم: کلام علما

مؤلف در این قسمت نیز با استناد به کلام علما مدعی می‌شود که در گذر تاریخ، مردم و ائمه مذاهب اسلامی، به‌قصد زیارت قبر مطهر نبی اکرم ﷺ به مدینه مشرف می‌شدند؛ چنان‌که شوکانی در نیل الاوطار نوشته است:

در طول تاریخ، سیره مسلمانان (با هر مذهبی که داشتند)، این بوده است که وقتی برای حج به مکه مشرف می‌شدند، برای زیارت پیامبر اکرم ﷺ نیز به مدینه مشرف می‌شدند و زیارت آن حضرت را از افضل اعمال تلقی می‌کردند.^۳

در تاریخ دمشق نیز چنین وارد شده است: «عبدالرزاق صنعانی می‌گفت: "حج را به‌جا آوردن و برای زیارت قبر مطهر نبی اکرم ﷺ به مدینه رفتن."^۴ پس شدّ رحال و سفر از مکه به مدینه، آن هم به‌قصد زیارت بارگاه نورانی نبی مکرم اسلام ﷺ، امری متداول بین مردم و علمای تمام مذاهب اسلامی بوده است.

۱. همان، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. همان.

هفتم: استدلالی دیگر

اگر از کسانی که می‌گویند تنها باید برای زیارت مسجدالنبی ﷺ به مدینه سفر نمود، پرسیم، علت افضلیت مسجدالنبی ﷺ بر مساجد دیگر چیست؟ حتما خواهند گفت: به سبب وجود پیکر مطهر پیامبر اکرم ﷺ، آن مسجد افضلیت یافته است. در اینجا به آن‌ها می‌گوییم: وقتی مسجدی به سبب وجود آن حضرت اینقدر جلالت پیدا کرده که می‌تواند، زیارتگاه واقع شود، پس به طریق اولی، سبب افضلیت قبر مطهر نبی اکرم ﷺ نیز، قابل زیارت خواهد بود.^۱

۲. دلایل مانعین مشروعیت شدّ رحال

مؤلف در این بخش، به سه دلیل از ادله مهم مانعین شدّ رحال می‌پردازد و به هر کدام پاسخ می‌دهد.

الف: حدیث لا تشدّ الرحال

در این روایت آمده است: «لا تشدّ الرحال الا الی ثلاثة مساجد، المسجد الحرام مسجد الرسول و مسجد الاقصی»؛ «شدّ رحال» نکن مگر به یکی از این سه مسجد: مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ و مسجدالاقصی.^۲

جواب جمهور به استدلال مانعین به این حدیث

به‌گفته یافعی، جمهور علما، استناد به این روایت را در جهت ممنوعیت شدّ رحال برای قبور، قبول ندارند؛ چراکه اولاً، اموری نظیر شدّ رحال برای طلب علم و شدّ رحال برای سیاحت، با وجود اینکه از مصادیق شدّ رحال هستند، ولیکن حتی مانعین نیز، شدّ رحال برای این امور را هیچ‌گاه ممنوع اعلام نکرده‌اند؛ بر همین اساس، جمهور علما بر این باورند که عبارت (الی مسجد) در این روایت در تقدیر است. به این شکل که «لا تشدّ الرحال الی مسجد الا الی ثلاثة»؛ چنانکه در مسند احمد، روایتی با این مضمون از ابی سعید خدری نقل شده است: «قال رسول الله ﷺ: لا ینبغی للمطی أن تشدّ رحاله

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان.

إلى مسجد بيتغى فيه الصلاة، غير المسجد الحرام، والمسجد الأقصى، ومسجدي هذا)؛
یعنی "شدّ رحال" به سوی مسجدی، غیر از آن سه مسجد، ممنوع است؛ نه قبور صلحاء.^۱
ثانیاً: عبارت "لا تشد الرحال"، صرفاً در مقام بیان افضلیت این سه مسجد بر مساجد
دیگر است؛ چنانکه ابن قدامه در المعنی نوشته است: روایت "لا تشد الرحال"، بر نفی
تفضیل مساجد دیگر بر این سه مسجد دلالت می‌کند؛ نه بر تحریم "شدّ رحال" به سوی
مساجد دیگر.^۲

ثالثاً: برخی نیز گفته‌اند، این روایت مربوط به بحث نذر است؛ یعنی اگر کسی نذر کند
در مسجدی غیر از این سه مسجد نمازی بخواند، بر او لازم نیست که به نذرش وفاء کند؛
چنان‌که ابن حجر در فتح الباری به این مسئله متذکر شده است.^۳

رابعاً: عده‌ای نیز معتقدند، مراد از روایت "شدّ رحال" این است که قصد اعتکاف در
مسجدی غیر از آن سه مسجد، صحیح نیست. ابن حجر در فتح الباری به این احتمال نیز
اشاره کرده است.^۴

ب: آثاری از سلف

مؤلف در این قسمت نیز به دو اثر از سلف اشاره می‌کند که مورد استناد مانعین "شدّ رحال"
واقع شده است.

۱. اثر ابن عمر: در مصنف عبدالرزاق آمده است که عرفجه می‌گوید: به ابن عمر گفتم
که می‌خواهم به مسجد طور بروم. ابن عمر در پاسخ، روایت "لا تشد الرحال" را خواند و
بدین وسیله نشان داد که "شدّ رحال" به مسجد دیگری غیر از این سه مسجد، جایز
نیست.^۵

۲. اثر ابی بصره: ابی بصره می‌گوید: دیدم ابوهریره می‌خواهد به سمت مسجد طور

۱. همان، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۴.

۳. همان، ص ۶۵.

۴. همان.

۵. همان.

برود، تا در آنجا نماز بخواند. به او حدیث "لا تشد الرحال" را یادآور شدم.^۱
پاسخ به این آثار: قبلاً گفته شد که طبق دیدگاه جمهور، حدیث "لا تشد الرحال"،
نهایتاً "شدّ رحال" به مساجد دیگر را نهی کرده است؛ بنابراین با این آثار نمی‌توان "شدّ
رحال" به سمت زیارت قبور را منع کرد.^۲

ج: روایت «لا تتخذوا قبوری عیداً»، قبر مرا عیدگاه قرار ندهید.
این روایت در مصنف عبدالرزاق ذکر شده است و عده‌ای برای منع "شدّ رحال"، به این
روایت استناد کرده‌اند.^۳

پاسخ: اولاً، چنانکه ابن کثیر در تفسیرش گفته است، سند این روایت، ضعیف است.^۴
ثانیاً: این روایت - بر فرض صحت سندش - بر منع زیارت حضرت رسول ﷺ دلالت
نمی‌کند؛ چنانکه شوکانی به این مسئله تصریح کرده است؛ بلکه نهایتاً بر این مسئله دلالت
دارد که نباید آن حضرت را صرفاً در ایامی مخصوص (مثلاً روز عید)، زیارت نمود؛
چنان که سبکی معتقد به این تفسیر است.^۵

۱. همان، ص ۶۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۶۷.

۵. همان.